

## وقایع افغانستان از 2001 تا 2014 میلادی

(بخش 48)

### نقش نیرو های خارجی در افزایش مواد مخدر افغانستان

آگاهان مسایل افغانستان، جابجایی نیروهای انگلیسی در ولایت هلمند (منبع اصلی کشت و تولید مواد مخدر) و سازشها و تباری های آشکار و پنهان آنان با گروه های مسلح شورشی را بی ارتباط به این پروژه نمیدانستند. آنان استدلال میکردند که یکی از مدارک عمده تمویل سازمان های جهانی " انتجنس سرویس " انگلستان، " سی.آی.ای " و دیگران، کشت، تولید و فروش همین مواد مخدر در سراسر جهان است و باساس برنامه های تعیین شده سازمانها ی اطلاعاتی ذکر شده، بخشی از مخارج جنگ و حتا " مساعدت " های مالی این کشورها برای افغانستان، از همین مدرک تکافو میشود.

چنانکه "یوسف علی واعظی" یکی از مشاوران ارشد رییس جمهور افغانستان در نیمه های ماه دسامبر سال 2011 میلادی، ضمن گفت و گو با " پرس تی وی " اظهار داشت : " اسناد و شواهد نشان میدهند که نیرو های انگلیسی نه تنها هیچ تلاشی در زمینه ی جلوگیری از قاچاق مواد مخدر نشان نداده اند، بلکه در برخی از موارد، خود نیز در آن دخالت داشته اند... آنها در کشت، تولید و قاچاق مواد مخدر مشارکت داشته اند." (175)

" وال ستریت ژورنال " از قول منابع رسمی ایالات متحده امریکا نوشت : " بعضی مقامات نیروی هوایی افغانستان که به کمک مالی ایالات متحده تأسیس شده، هواپیما ها را بمنظور نقل و انتقال مواد مخدر و سلاح های غیر قانونی به اطراف و اکناف کشور مورد استفاده

قرار میدهند... " اما " وهاب وردک " فرمانده عمومی نیروی هوایی افغانستان گفت " اگر کسی چنین ادعایی میکند، باید اسناد نشان بدهد. " (176)

رییس فدرال سرویس مواد مخدر روسیه، طی یک کنفرانس در ماه مارچ سال 2010م تخمین کرد که " میزان ارزش محصولات تریاک در افغانستان در حال حاضر به شصت و پنج میلیارد دالر ارتقا نموده که از جمله آن مبلغ بزرگ، تنها پنجصد میلیون دالر آن به کیسه دهاقین، سه صد میلیون آن به کیسه جنگ جویان طالب و شصت و چهارمیلیارد دالر آن به جیب مافیای مواد مخدر سرزیر شده که به این وسیله، منبع بزرگ مالی را تدارک جسته تا حکومت کرزی را با ملتی که محصولات ناخالص ملی اش تنها ده میلیارد دالر است به چالش کشیده، به فساد آغشته نماید. " (177)

" ولادیمیر پوتین " رییس جمهور روسیه، طی یک مصاحبه با شبکه ی تلویزیونی " آر.تی "، در عین حالیکه از برنامه ها و شیوه ی کار نا تو در افغانستان انتقاد میکرد، گفت: " حجم مواد مخدر که در افغانستان تولید شده به اندازه ی شصت درصد افزایش یافته است ... در سال گذشته حجم این سهم را {در روسیه} هفتاد تن هیرویین و پنجاه و شش تن تریاک تشکیل داد که تهدید جدی برای امنیت ملی {روسیه} به بار می آورد. عواید حاصل از مواد مخدر، منجمه، برای تمویل تروریسم و جنایات سازمان یافته مصرف میشود، {مگر} این وضع، ناتورا به مبارزه هرچه بیشتر فعال با ترافیک مواد مخدر افغانی و ادار نمی سازد... " (178)

نشریه انترنتی " پیام روز- تحلیلی " بتاريخ نهم ماه جوزای سال 1394 خورشیدی از قول مقام های روسی چنین نوشت: " ویکتور ایوانوف رییس اداره فدرال مبارزه با مواد مخدر فدراسیون روسیه میگوید: از آغاز عملیات نظامی امریکا در هفتم اکتوبر سال 2001 میلادی موسوم به " آزادی پایدار"، تولید مواد مخدر در مناطق اورآسیا و آسیای مرکزی،

پنجاه برابر شده است ... وسعتِ سطحِ زیرکشتِ خشخاش در افغانستان به سطح بی سابقه (224 هزار هکتار) رسیده است "

نشریه مذکور با اساس منابع روسی علاوه نمود که : " درحقیقت، حضور نیرو های خارجی در افغانستان و تشدید مناقشه مسلحانه، منطقه را بی ثبات میکند و عدم توسعه زراعت، موجب میشود دهقانان به کشت خشخاش رو بیاورند... امروز مافیای چند ملیتی مواد مخدر در افغانستان، 90 فیصد مواد مخدر جهان را تولید میکنند... همچنین، قاچاق مواد مخدر موجب تقویت مالی تروریستها و توسعه شبکه های افراطگرایی میشود که امنیت و صلح را تهدید میکنند. "

### پیشنهاد شورای سنلس در زمینه مواد مخدر

سال 2007 میلادی بود که یک مجمع مشورتی در مورد پالیسی مواد مخدر بنام " شورای سنلس" به جانب افغانستان یک پیشنهاد رسمی ارائه نمود تا با اساس آن، تولید و صدور مواد مخدر در افغانستان، قانونی ساخته شود، ولی این پیشنهاد نیز از سوی دولت افغانستان رد گردید. " گلالی مومند" معاون این شورا، ضمن یک گفت و گوی اختصاصی با " کابل پرس " گفته بود : " اول باید ضروریات مردم را بفهمیم که به چه وجه اینها تریاک را کشت میکنند و همین ضروریات یا احتیاج مردم برای کشت تریاک را جامعه بین المللی، بریتانیا و امریکا تا حالا درک نکردند. وقتیکه شما یک مسأله را درک نکنید، راه حل را نیز نمیتوانید بفهمید. بهمین اساس میخواهیم که یکی از همین طرح های این شورا که کشت تریاک قانونی شود. برای دواسازی، همین راهی است که تا بتوانیم نه تنها زارعین تریاک را کم کنیم ، بلکه برای اقتصاد افغانستان کم شود و در عین وقت در مقدار تریاکی که کشت میشود و از آن هیرویین تهیه میشود، کاهش بیابد... دولت ایتالیا با این پروژه موافق هست و بیشتر کمپنی های دوا سازی اروپایی میخواهند در ولایاتی که این پروژه تطبیق میشود، دوا بسازند

در خود افغانستان. اگر برای این پروژه اجازه داده شود، نه تنها به اقتصاد افغانستان بلکه برای ملت افغانستان و بشریت یک کار بسیار مفید خواهد بود." (179)

### ارتباط قاچاقبران مواد مخدر با مقام های افغانی

آنگاه که مقام های انگلیسی، شهرک مهم " موسی قلعه " را برای گروه طالبان سپردند، ظرف مدت نه ماه که شهرک مذکور در اختیار گروه طالبان قرارداشت، کشت و تولید تریاک بصورت بی سابقه یی سیر صعودی پیمود و به قول منابع مطلع، نود فیصد تریاک جهان ( شش هزار و دوصد تن) در آنجا تولید شد. گروه طالبان، با آزاد گذاشتن کشت و تولید ماده مذکور، از یکطرف مالیات بزرگی را جمع آوری نموده و به تقویت بودجه جنگی و نظامی شان پرداختند و ازسوی دیگر، تا آنجا که برخی از گزارشها افشا نمودند، نظامیان انگلیس، در قاچاق مواد مخدر ( از هلمند به خارج) نقش دارند. چنانکه در سالهای بعد از آن، دو دیپلمات انگلیسی، حین معامله و تحویلدهی سلاح برای گروه طالبان در ولایت هلمند شناسایی شدند. ظاهراً روی همین ملحوظ بود که وقتی سازمان ملل عنصر انگلیسی (پدی اشداون) را بعنوان نماینده خاص آن سازمان در افغانستان معرفی نمود، از سوی حامد کرزی رییس جمهور افغانستان پذیرفته نشد.

به سلسله فعالیتهای مشکوک نیرو های انگلیسی در ولایت هلمند افغانستان، سیاستها و اظهارات ضد و نقیض مقام های آن کشور در ارتباط با جنگ علیه گروه طالبان، ژنرال " پیتر وال " فرمانده ارتش انگلستان بتاريخ بیست و هفتم ماه دسامبر 2013 میلادی و پس از سفر " دیوید کامرون " صدراعظم آن کشور به هلمند رسماً اظهار نمود که " احتمال دارد پس از خروج نیرو های خارجی از افغانستان، طالبان مناطقی را که در سالهای اخیر از دست داده اند، دو باره تصرف کنند... با خروج نیرو های بریتانیایی در پایان سال آینده ( در پایان سال 2014 میلادی)، شاید خبرهای بدی مبنی بر دست بدست شدن بعضی مناطق در افغانستان شنیده شود. "

خبرگزاری بی بی سی که سخنان ژنرال مذکور را به نقل از روزنامه " دیلی تلگراف " در اواخر سال 2013م به نشر رسانید، چنین افزود : " طالبان برای باز پس گیری مناطقی که نیرو های ما با زحمت زیاد از چنگ آنها بیرون کردند، جنگ خواهند کرد . " البته این سخنان ژنرال پیتروال در حالی به نشر رسانیده میشود که فقط چند روز قبل از آن، صدراعظم انگلستان ضمن یک سخنرانی در جنوب غرب افغانستان گفته بود " نیرو های بریتانیایی ماموریت شان برای امن تر ساختن افغانستان را با موفقیت به پایان رسانده اند، حالا که امنیت نسبی در افغانستان تأمین شده و نیرو های بریتانیایی با سر های بلند میتوانند به خانه برگردند... " (!؟)

پس خواننده عزیز میتواند از مقام های بریتانیایی بپرسد که هرگاه نیرو های شما مناطقی را با " زحمت زیاد " از چنگ طالبان رهانیده، " امنیت نسبی " هم در آن مناطق فراهم آمده و سربازان تان با " سر های بلند " بخانه های شان برمیگردند، دیگر اینهمه اشاره ها، کرشمه ها و دیپلماسی معنی دار به سود گروه طالبان و برگشت آنها به حاکمیت برای چیست ؟

وقتی سخنان بعدی این ژنرال کهنه کار بریتانیایی را که با روزنامه " دیلی تلگراف " گفت " در نتیجه عملیات شدید، هدف اولیه مختل کردن شبکه القاعده بدست آمده است تا این شبکه نتواند دیگر از پناهگاه های امن در افغانستان دسیسه چینی کند " ، مدنظر گیریم، کاملاً آشکار میگردد که هدف اصلی نیرو های بریتانیایی در افغانستان، تنها تعقیب رهبران القاعده بوده، نه سرکوب گروه طالبان، آنها همان رهبران القاعده که نتوانند از پناهگاه های امن شان در افغانستان " دسیسه چینی " علیه منافع بریتانیا نمایند.

همین ژنرال انگلیسی طی همین مصاحبه اش با روزنامه " دیلی تلگراف " متذکر میشود که " عناصر میانه رو طالبان میتوانند وارد روند سیاسی شوند. " ، اصطلاحی که مخترع آن از همان وهله نخست هم جانب بریتانیا بوده و آنرا ترویج هم دادند .

براساس همین طرح انگلیسی و شناخت از ماهیت سیاسی طراحان مذکور بود که " اندری سیرینکو" یکی از تحلیلگران مرکز مطالعات افغانستان معاصر در روسیه، مطلبی را تحت عنوان " مصالحه ی آزمایشی با طالبان در هلمند " به رشته تحریر درآورد که در شماره بیست و نهم ماه دسامبر 2013 " افغانستان - رو " به نشر رسید که اینک بخشهایی از آن را در اینجا درج میکنیم : " ممکن است در سال 2014، طرح جدید سیاسی در مورد مصالحه با طالبان در ولایت هلمند، در جنوب افغانستان مورد اجرا قرار گیرد. پیشبینی ها حاکی از این است که مؤلفان طرح " مصالحه آزمایشی " ارائه کنترل برخی از ولایت های افغانستان به طالبان، همکاران بریتانیایی دولت کابل استند. احتمال دارد اجرای طرح هلمند به معنای انتقال مسوولیت کنترل امنیت جنوب افغانستان توسط نظامیان بریتانیایی به فرماندهان طالب در سال 2014 باشد"

در متن همین مطلب از قول روزنامه " سندی تایمز" گفته شد که " خیلی احتمال دارد که پس از پایان مذاکرات صلح، طالبان اداره هلمند را برعهده بگیرد. در این حال منبع روزنامه مذکور تجربه مصالحه با ایرلند شمالی را به یاد می آورد " هر یک از دو طرف باید در نتیجه مذاکرات، دستآوردی داشته باشد، در غیر آن این مذاکرات هرگز هیچ گونه موفقیتی در پی نخواهد داشت . "

با مطالعه مطالب بالا، یکباردیگر مشت سیاست بازان بریتانیایی در برابر ادعا های کذایی " تأمین امنیت "، " مبارزه علیه مواد مخدر"، " جنگ علیه تروریسم "، " مخارج ملیونها پوند برای افغانستان" و بالاخره ، " سر بلندی " و " موفقیت " نیروهای آن کشور، باز میگردد.

"الفرد دبلیو مکوی" در کتاب خویش گفته است : " جنگ پنهانی سیا در دهه 80 میلادی بر علیه کمونیزم در افغانستان باعث شد تا افغانستان و آسیای میانه به بزرگترین تولید کننده

اپیوم {تریاک} تبدیل شود. ملیونها دالر بدست آمده از تجارت هیرویین منبع خوبی بود تا ملیشه های افغان را از نظر مادی در جنگ کُکم کند و از بار سنگین سیا در این مورد بکاهد. " (180)

سازمان ملل در عین زمان تخمین زد که از موقعیکه انگلیسها مسوولیت نظامی در افغانستان را بعهدہ گرفته اند، سی فیصد به حوادثِ خشونت آمیز در افغانستان افزوده شده و چندین هزار نفر افغان به قتل رسیده اند.

گزارشی از قول منابع اطلاعاتی کانادا در افغانستان، پیرامون قضایا و درگیریهای قاچاق مواد مخدر در افغانستان به نشر رسید که ضمن آن، چند سند رسمی نیز به نشر رسا نیده شد. پیام این گزارش، در واقع این بود که مامورین بلند پایه دولت افغانستان نیز در فعالیتهای مربوط به تولید و قاچاق مواد مذکور منعم هستند. مثلاً، گزارش از قاچاقبر مشهور و مقتدر بنام (حاجی سید جان) اهل ولایت هلمند نام میبرد که سفارش نامه هایی از مقام های وزارت امور داخله ی افغانستان به امضای جنرال داوود درجیب دارد. در گزارش روزنامه ی تورنتو استار آمده است که یکی از روزها، تیم مسلح مبارزه با مواد مخدر، ضمن یک کمین، حاجی سید جان و کاروان حامل مواد مخدر او را متوقف نمودند، ولی قاچاقبر مذکور فوراً سفارش نامه یی از معاونیت وزارت امور داخله را نشان داده اظهار داشت که طبق نامه ی مذکور باید او را رها سازند. اگرچه تیم مسلح همان روز، او را دستگیر کردند، اما خیلی زود آزاد ساخته شد. اینک چند سندی که یکی از روزنامه ی کانادایی آنها را در این زمینه به چاپ رسا نیده است: (181)

این تنها نبود. گزارشهای دیگری نیز به نشر رسیدند که افشا کننده برخی از موضوعات مربوط به جنگهای درونی این جریان نا صواب بود. مثلاً، برخی از منابع گفتند: "... آقای اسدالله خالد در ولایت قندهار با سو استفاده از مقام خود {بحیث والی قندهار} دست به اختلاس های کلان ملیونی زده و یکی از مهره های کلیدی در تولید و قاچاق مواد مخدر

در حلقه ی خانواده و اطرافیان حامد کرزی میباشد... طبق گزارش یک رسانه کانادایی، اسدالله خالد متهم است که پولهای گزافی را به منظور های مختلف مانند محو کشت خشخاش دریافت کرده و عوض رساندن پول به آنانیکه باید دست از کشت خشخاش بکشند، آنرا به دیگران و بویژه نزدیکان خود داده است. صد ها هزار دالر امریکایی نیز با عنوان پول اپراتیفی به دست والی قندهار رسیده که از پاسخ دادن در باره ی نحوه ی مصرف آن ابا می ورزد... " راپورها همچنان افزودند که : " گفته میشود در قندهار برادر حامد کرزی، اسدالله خالد و محمد عارف نوروزی که فعلاً بعنوان وکیل در پارلمان میباشد، یک شبکه ی گسترده ی فساد تشکیل داده اند که در این شبکه فعالیت های مختلفی از جمله کشت و قاچاق مواد مخدر نیز صورت می گیرد... " (182)

وقتی در سال 2012 میلادی، سو قصد انتحاری علیه جان اسد الله خالد (آنگاه رییس دستگاه امنیت ملی) دولت حامد کرزی در کابل صورت گرفت، نشریه " کابل پرس " چنین نوشت : " ... طالبان مسولیت این حمله را برعهده گرفته اند، اما گویی علت و انگیزه ی اصلی حمله در جایی دیگر نهفته و این اظهارات برای انحراف افکار عمومی از توجه به جنگ تریاک در قبایل جنوب و شرق صورت می گیرد. اسد الله خالد که قبل از این در پست های ولایت قندهار، غزنی و وزارت سرحدات کار کرده، دست بالایی در قاچاق مواد مخدر دارد. از این رو رقابت بر مواد مخدر و سود ناشی از آن همواره یکی از چالش های بزرگ بر سر راه او و حریفان قبایلی اش بوده است ... یک منبع مؤثق به کابل پرس می گوید در بهار سال 1381 زمانیکه آقای خالد به حیث والی غزنی اجرای وظیفه میکرد، یک کامیون حامل مواد مخدر " چرس، هیرویین و تریاک " که به سوی ولسوالی اسپین بُلدک در حرکت بود، توسط ملیشه های قبایلی در ولسوالی " تخته پل " به فرماندهی قوماندان آدم خان متوقف میشود و پس از تلاشی و بررسی اسناد کامیون، معلوم شد که ماه ها همان کامیون با اسناد دولتی که توسط اسدالله خالد والی غزنی، مولوی حسن زاده والی زابل و گل آقا شیرزی والی قندهار امضا شده، صد ها تن مواد مخدر را از قندهار، هلمند و غزنی

به شهر کویته ی پاکستان انتقال داده بود... قوماندان آدم خان و دگروال محمد عیسی که خود را از وفاداران عصمت مسلم و وابسته به گروه ملیشه های جنرال فدا محمد اچکزی می دانند، در اسناد کامیون حامل مواد مخدر، نامه ای با این مضمون یافته بودند : این کامیون مربوط به واحد های ترانسپورت دولتی افغانستان است و همیشه برای حمل و نقل اجناس دولتی افغانستان است و همیشه برای حمل و نقل اجناس دولتی در مسیر پاکستان درحال عبور میباشد، از این رو به تمام پوسته های تلاشی دستور داده میشود که مزاحمت ایجاد نکرده و در صورت لازم، با راننده ی کامیون کمک کنند. " (183)

روزنامه " هشت صبح " کابل باز هم بتاريخ 30 ماه ثور سال 1394 خورشیدی مطالبی را که درمورد قاچاقبران عمده مواد مخدر از منابع مؤثق بدست آورده بود، به نشر رسانید. اینک ما، بخش هایی از مطالب نشر شده را در اینجا درج میکنیم :

" سند هایی که به روزنامه 8 صبح رسیده نشان میدهد که حاجی بالته، حاجی لعجان باخچو، اسحاق زی، حاجی بختاور، حاجی آغا جان علیزی، حاجی بندو، جمعه خان، حاجی حاجی عزیزالله علی زی، حاجی عبدالعزیز، حاجی بشر، سید وزیرشاه، اسماعیل سفید، حاجی فتح محمد، حاجی بهاو الدین، خان محمد، حبیب الله، عبدالشکور، مولوی محمد اسحاق، امان افغان، ملا عبدالقادر و عبدالقدوس، قاچاقبران بزرگ مواد مخدر در سطح منطقه و جهان به شمار میروند."

دربخشی از این سند منتشر شده آمده است که " برخی از قاچاقبران یادشده، در جریان چند سال گذشته، طی عملیات های ویژه پولیس مبارزه با مواد مخدر بازداشت شدند، اما شماری از این قاچاقبران، پس از بازداشت، دوباره از زندان آزاد شده اند."

روزنامه علاوه نمود که " با آنکه حاجی جمعه خان در حال حاضر در امریکا زندانی است، اما یک مقام افغان در بخش مبارزه با مواد مخدر میگوید که پسران حاجی جمعه خان در حال حاضر، قرارداد ساخت میدان هوایی نیمروز را به عهده دارند. این مقام گفت "

هرچند جرم، یک عمل شخصی است، اما خارجی ها قرار داد ساخت میدان هوایی نیمروز را به پسران حاجی جمعه خان که یکی از بزرگترین قاچاقبران دنیا ست، سپرده اند.

روزنامه هشت صبح کابل این موضوع را نیز تذکر داد که " در همین حال، برخی از قاچاقبران بین المللی در افغانستان حضور دارند که تا کنون بازداشت نشده اند... " و از آن جمله، از شخصی بنام " سید وزیرشاه " نام می برد که هنوز آزادانه در ولایت هرات گشت و گذار میکند و در آنجا به " بچه بمب هرات " مشهور میباشد. همچنان از قاچاقبر مشهور دیگری بنام " جیلان خان چغوک " نام برده شده که نیروهای امنیتی افغانستان او را دستگیر نمودند و دادگاه مربوطه حکم بیست سال حبس تنفیذی برایش صادر نمود و اما، پس از سپری نمودن تنها سه سال، از زندان آزاد شده است .

" حاجی لعلجان " قاچاقبر مشهور دیگری در افغانستان بوده است که قرار گزارش روزنامه هشت صبح، به جرم قاچاق 391 کیلو گرام مورفین و 1300 کیلوگرام تریاک، از سوی دادگاه به چهل سال حبس محکوم شد که مدت بیست سال آن قابل تطبیق بود. اما، به قول روزنامه نیویارک تایمز، با پرداخت مبلغ 40 میلیون دالر، در زمان زعامت حامد کرزی، اولاً از زندان پلچرخ کابل به زندان قندهار انتقال داده شد و در آنجا نیز با بهانه های دیگر و پرداخت پول گزاف از زندان رها شده و به کویته پاکستان فرار نموده است .

در بخش پایانی یافته های روزنامه هشت صبح چنین آمده بود: " آقای شیرزاد {معین وزارت مبارزه با مواد مخدر} میگوید؛ هم اکنون 132 ولسوالی {شهرک} به مرکز مواد مخدر تبدیل شده است. از این میان، درده ولسوالی که هفت ولسوالی آن در هلمند و سه ولسوالی دیگر آن در کندهار، نیمروز و فراه است، بیش از 50 درصد مواد مخدر تولید و قاچاق میشود... بر اساس آمارهای اداره مبارزه با گجرایم و مواد مخدر سازمان ملل متحد، 90 درصد مواد مخدر دنیا در افغانستان تولید میشود و مافیای مواد مخدر سالانه نزدیک به 70 میلیون دالر {؟} از قاچاق مواد مخدر سود میبرند... سیف الدین سیحون استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه کابل

میگوید که قاچاقبران مواد مخدر سالانه به ارزش 80 تا 120 میلیارد دالر هیرویین، تریاک و مورفین را قاچاق میکنند. حدود 5 میلیارد دالر آن به جیب قاچاقبران داخلی کشور سرازیر میشود و بیش از 400 میلیون آن نیز به گروه های تروریستی و طالبان میرسد، درضمن، حدود 90 درصد عاید مواد مخدر به قاچاقبران بین المللی و برخی از بانکهای خارجی سرازیر میشود. "

یکی از هموطنان بنام " بصیر هلمندی"، ترجمه گزارشی را در ماه اپریل سال 2008 میلادی در " کابل پرس " به نشر رسا نید که بقلم " برایان هوتچنسن " از شهر قندهار نگاشته شده بود. نویسنده این گزارش، درباره ساختمان بسیار مجلل و بی مانند هوتلی در شهر قندهار توجه مبذول داشته که توسط شخصی بنام " عارف نوروزی" در سطح بسیار بلند و پُرخرچ غرض استقبال از خارجی ها اعمار گردیده است. مترجم این گزارش، نظر خودش را این چنین در پایان مطلب درج نموده بود : " این، یکی دیگر از اختلاس های پولهای ملت است که توسط یک عده از مقامات بلند رتبه دولت فامیلی و مافیایی کرزی صورت گرفته است. "

**(184)**

اسناد و گزارشهای دیگری، بخصوص در " نیویارک تایمز" و شبکه " ای. بی. سی" به نشر رسید که " احمد ولی کرزی (برادر مقتول حامد کرزی) در قندهار را بنام " سلطان هیرویین " یاد کرده و او را در فعالیتهای مربوط به قاچاق مواد مخدر دخیل میدانستند.

**(ادامه دارد)**

